

حوادث



دیگران را متشویق می کردند که دخترم را بفروشم چون توان مرا قیبت و نگهداری او را ندارم ولی من راضی نمی شدم. نمی دانم چه کسی به پلیس اطلاع داده بود که من قصد فروش دخترم را دارم! آن ها هم مرا به کلانتری آوردند.

چرا چنین چیزی می گفتی؟

چون مراقبت از او سخت بود حتی بستگانم می گفتند دخترت راما نگهداری می کنیم ولی من قصد فروش او را نداشتم.

همسرت فرزندت را دیده است؟

بله! یک فردی با بستگانم صحبت کرده بود که او را بفروشم! به چه مبلغی قصد داشتند فرزندت را بخرند؟

آن ها بین ۵۰ تا ۹۰ میلیون تومان پیشنهاد کرده بودند. ولی من قصد فروش نداشتم! حتی یک میلیارد هم نمی توانم بفروشم! دلم از او کنده نمی شود و گرنه یک پسر از او دواج قبلی ام دارم.

آن پسرت الان کجاست؟

با پدرش زندگی می کند!

با همسر قبلی خودت چند سال زندگی کردی؟

۴ سال با او زندگی کردم.

متخارج اعتیادت را چگونه تاملین می کنی؟

به عهده مادر شوهرم است! شوهرم هم کار می کند!

الان در کجا زندگی می کنی؟

قبلا در یک ساختمان نینم ساز زندگی می کردم ولی بعد از به دنیا آمدن فرزندم گاهی به خانه مادر شوهرم می روم.

سابقه هم داری؟

بله! یک بار ۳ ماه در زندان بودم، رفتم مواد بخرم به جرم همدستی دیگران دستگیر شدم!

بعد از آزادی چرا دوباره استعمال مواد را شروع کردی؟

عماه پاک بودم اما نمی دانم چرا بازم هم به سمت مواد رفتم. می خواهی فرزندت را خودت بزرگ کنی؟ بله!

این گزارش حاکی از آن است که با دستور ات ویژه قاضی «عابدین زاده» این زن جوان تحت حمایت های قانونی قرار گرفت و نوزادش نیز به بهزیستی تحویل شد. بررسی های بیشتر در این باره از سوی مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد ادامه دارد.

گفت و گو با زن جوان که «بیلدا» کوچولو را نفروخت!

در پاتوق شیطان چه گذشت؟

چند سال داری؟

۲۴ ساله هستم.

خانه و زندگی هم داری؟

قرار است یکی از بستگان شوهرم که خانه ای در حاشیه شهر می سازد، بعد از آن که ساختمان تکمیل شد اجازه بدهد آن جا زندگی کنیم.

ایرانی هستی؟

بله!

فرزندت در بیمارستان متولد شد؟

نه! من در خانه زایمان کردم اما به خاطر این که حاملم وخیم شده بود، اورژانس مرا به بیمارستان شهید هاشمی نژاد برد که آن جا هم دخترم را درون سساک گذاشتم و فرار کردم چون هزینه های بیمارستان را نداشتم.

چند کلاس سواد داری؟

تا مقطع ابتدایی درس خواندم.

پدر و مادرت زنده هستند؟

بله! اما آن ها از یکدیگر طلاق گرفته اند.

چرا؟

به خاطر اعتیاد!

چه نوع موادی مصرف می کردند؟

گروه حوادث - در پاتوق استعمال مواد مخدر، مرا متشویق می کردند که اگر نمسی تو نام از نوزادم مراقبت کنم آن را تا ۹۰ میلیون تومان به دیگرا بفروشم، ولی من رضایت نداده بودم که پلیس از راه رسید و ...

زن ۲۴ ساله معتاد در بزنگاه عشق مادری و جدایی از فرزند، با وجدان خود درگیر بود که پلیس شهسبد از ماجرای فروش یک نوزاد در پاتوق معتادان، اطلاع یافت و بی درنگ وارد عمل شد. نیروهای کلانتری طبرسی شمالی که می دانستند باید از وقوع این ماجرا جلوگیری کنند با هماهنگی های قضایی، این زن جوان را به همراه «بیلدا» (نوزاد ۲۰ روزه) به کلانتری هدایت کردند و پس از بررسی ابعاد این ماجرا «بیلدا» را تحویل کارشناسان اجتماعی بهزیستی دادند. مادر این نوزاد که اکنون مدعی بود قصد فروش «بیلدا» را نداشت و تنها دیگران او را ترغیب به فروش دخترش می کردند، بعد از آن که با دستور رئیس کلانتری طبرسی شمالی در دایره مددکاری اجتماعی مورد مشاوره های تخصصی قرار گرفت به سوالات خبرنگار روزنامه خراسان نیز درباره سرگذشت خود پاسخ داد.

آن چه می خوانید نتیجه گفت و گوی یک ساعت با زن جوان است. نامت چیست؟

مرا با نام مستعار «مهلا» صدا می زنند.

ادعای متهم به قتل در دادگاه:

مقتول همسرم را ربود و به ایران فرار کرد

فرستاده شد.

نخستین جلسه دادگاه

در ابتدای این جلسه اولیای دم برای کریم درخواست قصاص کردند و خواستار اشد مجازات برای دو متهم دیگر پرونده شدند.

پس از آن کریم به جایگاه رفت و گفت: من اتهام قتل را قبول دارم اما برای بردن همسرم به آن خانه رفتم و قصدم کشتن رحمان نبود. او به من شلیک کرد و من هم برای دفاع از جان خودم و برادر و پسر عموم او را زدم.

سپس سعید و دوشنبه هم به جایگاه رفتند و با تأیید اظهارات کریم گفتند فقط او را همراهی می کردند و نقشی در جنایت نداشتند.

پس از پایان اظهارات متهمان قضاات ادامه رسیدگی به این پرونده را به جلسه دیگری موکول کردند.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه نیز اولیای دم بر درخواست قصاص تأکید کردند و گفتند که به هیچ عنوان حاضر به گذشت و مصالحه نیستند.

پس از آن کریم به جایگاه رفت و گفت: من هنوز هم آفتاب را دوست دارم و اگر حکم قصاص بر ایتم صادر نشود می خواهم با او زندگی کنم. او همسر قانونی و شرعی من بود. ما سال ۹۴ با هم عقد کردیم و در مقابل هم من خواهرم را به برادر او دادم اما فرادی آن روز آفتاب و رحمان فرار کردند و من ۶ سال به دنبال او بودم. با اینکه او دو دختر و یک پسر دارد و طبق رسم ما پسر او به وراثت پدری اش می رسد و دو دختر آنها به آفتاب من حاضر ما به همین وضعیت با او زندگی کنم.

در ادامه متهم بعدی به نام سعید گفت: آن روز به محض اینکه وارد

مرد افغانستانی که به همراه برادر و پسر عمویش به اتهام قتل محاکمه می شد در دادگاه ادعا کرد به خاطر برگرداندن همسرش که به ایران فرار کرده بود دست به این جنایت زده است. فروردین ۱۴۰۰ گزارشی یک درگیری مرگبار در خانه ای در محدوده فیروزکوه به پلیس اعلام شد، پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و در یافتند ۳ مرد پس از ورود به خانه یک زوج افغانستانی با ضربات چاقو و اسلحه آنها را مجروح کرده اند. در این حادثه مرد جوان به نام رحمان کشته و زن جوان به نام آفتاب مجروح شده بود.

در ادامه مأموران پلیس با اجرای طرح مهار توانستند ۳ متهم پرونده به نام های سعید، دوشنبه و کریم را که افغانستانی بوده و قصد داشتند به کشورشان بگریزند، ردیابی و دستگیر کنند. کریم در همان ابتدای مراحل بازجویی به قتل رحمان با انگیزه ناموسسی اعتراف کرد و مدعی شد برادر و پسر عمویش نقشی در قتل نداشته اند.

وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: سال ۹۴ من و آفتاب در کشورمان عقد کردیم اما فرادی آن روز همسرم با مقتول فرار کردند و به قندهار رفتند، ما ردشان را گرفتیم و در حالی که در یک قدمی آنها بودیم توانستند به ایران بگریزند. در این مدت دنبالشان بودم تا اینکه بعد از چند سال فهمیدیم در ایران مدتی دنبالشان بودم تا زندگی می کنند و سه فرزند هم دارند. من هم از برادر و پسر عموم خواستم تا ما من به ایران بیایند و آفتاب را به کشورم برگردانیم اما وقتی به آنجا رسیدیم با رحمان درگیر شدیم و او را کتیم. البته دوشنبه و سعید نقشی در قتل نداشتند.

پس از آن بازسازی صحنه جرم انجام شد و با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری یک استان تهران

سرنوشت تلخ پسر رها شده از قصاص

یک بار پای چوبه دار رفت. اما با تلاش واحد صلح و سازش دادسرا و صلح یاران و خیرین، موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد. در نهایت تلاش صلح یاران و خیرین به نتیجه رسید و اولیای دم به خاطر رضای خدا از قصاص قاتل گذشت کردند.

با توجه به اینکه نوبت ۱۵ سال در زندان بود با این بخشش از زندان آزاد شد.

سرنوشت مرگبار

۶ مـهـا پس از آزادی، نوبت که تازه به زندگی بازگشته بود و آرزوهای زیادی در سر داشت یک روز سواری بر موتورسیکلت راهی خانه عمه اش شد. اما در مسیر ناگهان یک خودروی پراید از پشت به موتورش برخورد کرد و پسر جوان مجروح و به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد جان باخت.

در تحقیقات راننده پراید که گواهی نامه نداشت و بیمه خودرواش نیز منقضی شده بود بازداشت شد. وی پس از محاکمه به پرداخت دیه محکوم شد اما چون توانایی پرداخت دیه را نداشت روانه زندان شد.

اما خانواده نوبت در اقدامی خداپسندانه با بخشش راننده زمینه آزادی او را فراهم کردند. مادر نوبت در این باره گفت: من خودم با زندانی شدن پسر و محکوم شدن او به قصاص ۱۵ سال سخت ترین روزها را تجربه کردم و می دانستم که الان خانواده این راننده چه شرایط روحی بدی دارند. من پسرم را از دست داده ام، اما با ماندن این راننده در زندان قرار نبود پسرم برگردد به همین دلیل برای شادی و آرامش روح پسرم این راننده را بخشیدیم تا حداقل زندگی او و خانواده اش تباہ نشود.

گروه حوادث - زندانی محکوم به قصاص وقتی پس از ۱۵ سال با رضایت اولیای دم بخشیده شد ۶ ماه پس از آزادی در یک سناخته رانندگی جان باخت اما خانواده اش به خاطر رضای خدا راننده خطاکار را بخشیدند.

این پسر جوان که نوبت نام داشت ۱۵ سال قبل در استان فارس مرتکب قتل شد و فرار کرد. شاهد این جنایت به پلیس گفت: یک موتورسوار با مقتول درگیر شد و او را با چاقو زد و فرار کرد.

با اطلاعاتی که شاهد ماجرا در اختیار تیم جنایی قرار داد هویت پسر موتورسوار به دست آمد و مأموران به خانه وی رفتند و دستگیرش کردند.

نوبت دربارۀ انگیزه خود از قتل گفت: روز حادثه سوار بر موتور به خرید رفتم. موتور را در کتار خیابان پارک کردم و به مغازه ای که می خواستم خرید کنم وارد شدم. زمانی که برگشتم، موتورسیکلم را دیدم که داخل جوی آب افتاده است. آسیب زیادی به موتورم وارد شده بود وقتی پیگیر شدم فهمیدم راننده یک خودروی پژو برای اینکه بتواند خودرواش را پارک کند، موتور مرا داخل جوی آب انداخته. عصبانی شده بودم صبر کردم تا راننده بیاید. وقتی برگشت به جای عذرخواهی گفت می خواستی موتورسیکلت را اینجا پارک کنی. این حرفش مرا بیشتر عصبانی کرد و درگیر شدیم و با چاقو ناخواسته او را زدم.

حکم قصاص

با اعتراف متهم وی محاکمه و با توجه به خواسته اولیای دم، نوبت به قصاص محکوم شد و با تأیید این حکم، پسر جوان

نیازمندی های روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

 مفقودی	 درب کابینت	 جویای کار	 استخدام
اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۳۱۹۵/۰۱ به نام ام البنین صفر نیا خشکدودانهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .	انواع درب های کابینتی و سه بعدی قیمت ۲ میلیون تومان ۰۹۳۳۰۸۲۸۲۰۲ غفاری	کارشناس ارشد شیمی دارنده مدرک کارشناسی ارشد شیمی با سابقه کار مسئول آزمایشگاه و مسئول تحقیقات در زمینه شیمی جویای کار بعنوان کارشناس یا مسئول آزمایشگاه در کیش می باشد. تلفن تماس: ۰۹۱۳۹۶۶۴۴۲۵	استخدام گرافیست گرافیست آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹
 سم پاشی	 حمل بار	 خشکشویی	از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹
کنترل حشرات و جانوران مودی کیش سم بدون نیاز به ترک منزل و جا به جایی بازدید و مشاوره رایگان مهندس آذر ۰۹۳۴۷۶۸۶۳۷۸ - ۰۹۱۲۹۶۲۴۲۵۶ بازار هرمز S102	 خیاطی	خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلائی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری	 خدمات
 خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	 خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸	نیازمندی ها ۴۴۴۲۴۹۹۹ با یک تماسی مشترک شریید	

صنایع چوب

حلاج کیش

کلیمه سفارشات

MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰